

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

باز تایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعیم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش پنجاه و نهم

۲۵ نومبر ۲۰۱۴

اعلام جمهوری توده نی البانی

پیش از آن که مجلس مؤسسان تشکیل جلسه دهد خلق به نمایندگان منتخب خود دستور داده بود که از جمهوری توده نی هواداری کند. روز ۱۱ جنوری ۱۹۴۶ مجلس مؤسسان به اتفاق آراء البانی را بنابر اراده خلق جمهوری توده نی البانی اعلام داشت و دولت جدید به ریاست رفیق (کلمه رفیق در متن کتاب آمده است _ لاله) انور خوجه تعیین کرد. حزب کمونیست البانی طرح قانون اساسی را که دولت تنظیم کرده بود برای اظهار نظر در اختیار قاطبه خلق گذاشت. بحث همگانی در باره طرح مذکور که مدت دو ماه به طول انجامید بسیار ثمر بخش بود. پیشنهاد هائی که از طرف توده های خلق داده شد سهم گرانقدری در تقویت مضمون انقلابی قانون اساسی داشت. روز ۱۴ مارچ ۱۹۴۶ مجلس مؤسسان قانون اساسی را تصویب کرد و سپس مجلس مذکور به صورت مجلس توده نی یعنی ارگان عالی قدرت دولتی جمهوری توده نی البانی در آمد.

قانون اساسی، کار را به مثابه شرف هر فرد جامعه توصیف می کرد و این اصل را اعلام می داشت که هر عضو جامعه حق دارد به تناسب کاری که انجام می دهد و بر حسب استعدادش پاداش یابد.

قانون اساسی، اصل انتخابات آزاد، با رأی مستقیم، عمومی، متساوی و مخفی را مقرر می داشت و به انتخاب کنندگان حق می داد که نمایندگان خویش در ارگان های مختلف دولتی را فرا خوانند، آزادی اجتماعات، آزادی تشکل، آزادی کلام و آزادی مذهب و شرایط لازم برای حفظ و اجرای مؤثر این حقوق را تضمین می کرد.

اینها بود برخی از اصول بنیادی نخستین قانون اساسی جمهوری توده نی البانی. تصویب قانون اساسی باعث شد که جریان سازماندهی سیاسی سیستم دموکراسی توده نی به مثابه دولت دیکتاتوری پرولتاریا به پایان برسد.

دیکتاتوری پرولتاریا در جمهوری توده نی البانی علاوه بر مضمون عام خویش حاوی خطوط مشخصه ای نیز بود. از این قرار:

قدرت توده ئی در مبارزه رهائیبخش ملی و در اثر درهم شکستن کامل ماشین دولتی اشغالگران و طبقات ارتجاعی کشور به وجود آمد.

شوراهای توده ئی که ادامه دهندگان مستقیم شوراهای رهائیبخش ملی بودند به صورت بنیاد اساسی دیکتاتوری پرولتاریا درآمدند.

اتحاد طبقه کارگر و دهقانان، به مثابه مهم ترین اصل دیکتاتوری پرولتاریا، در جبهه دموکراتیک که ارتش سیاسی انقلاب بود تبلور پذیرفت.

از نخستین ایام استقرار قدرت توده ئی فقط یک حزب در رأس آن قرار داشت: حزب کمونیست، که یگانه حزب سیاسی کشور بود. حزب کمونیست رهبری بی شریک زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را بر عهده داشت.

دیکتاتوری پرولتاریا ثمره مستقیم انقلاب توده ئی بود که در طی مبارزه رهائیبخش ملی به مثابه انقلاب دموکراتیک ضد امپریالیستی آغاز شد و پس از رهائی به طور مداوم به مثابه انقلاب سوسیالیستی تکامل یافت. هدف ستراتیژیک حزب در مرحله اول انقلاب عبارت بود از تأمین استقلال ملی و استقرار رژیم دموکراتیک توده ئی و در مرحله دوم عبارت شد از تحکیم دولت دموکراسی توده ئی به مثابه شکلی از دیکتاتوری، بر انداختن پایه اقتصادی سرمایه داری و ساختمان جامعه سوسیالیستی.

مراحل دو گانه مذکور دو حلقه از انقلاب واحدی بودند، دو حلقه متمم یکدیگر بودند. تحقق یافتن وظائف مرحله اول شرایط لازم برای گذار به مرحله دوم را فراهم آورد. مرحله اخیر در مرحله اول ریشه داشت و از آن تغذیه می شد. در مرحله دوم تحولات دموکراتیکی نیز به تحقق پیوست که در طی نخستین مرحله انقلاب نا تمام مانده بود.

ادامه دارد...